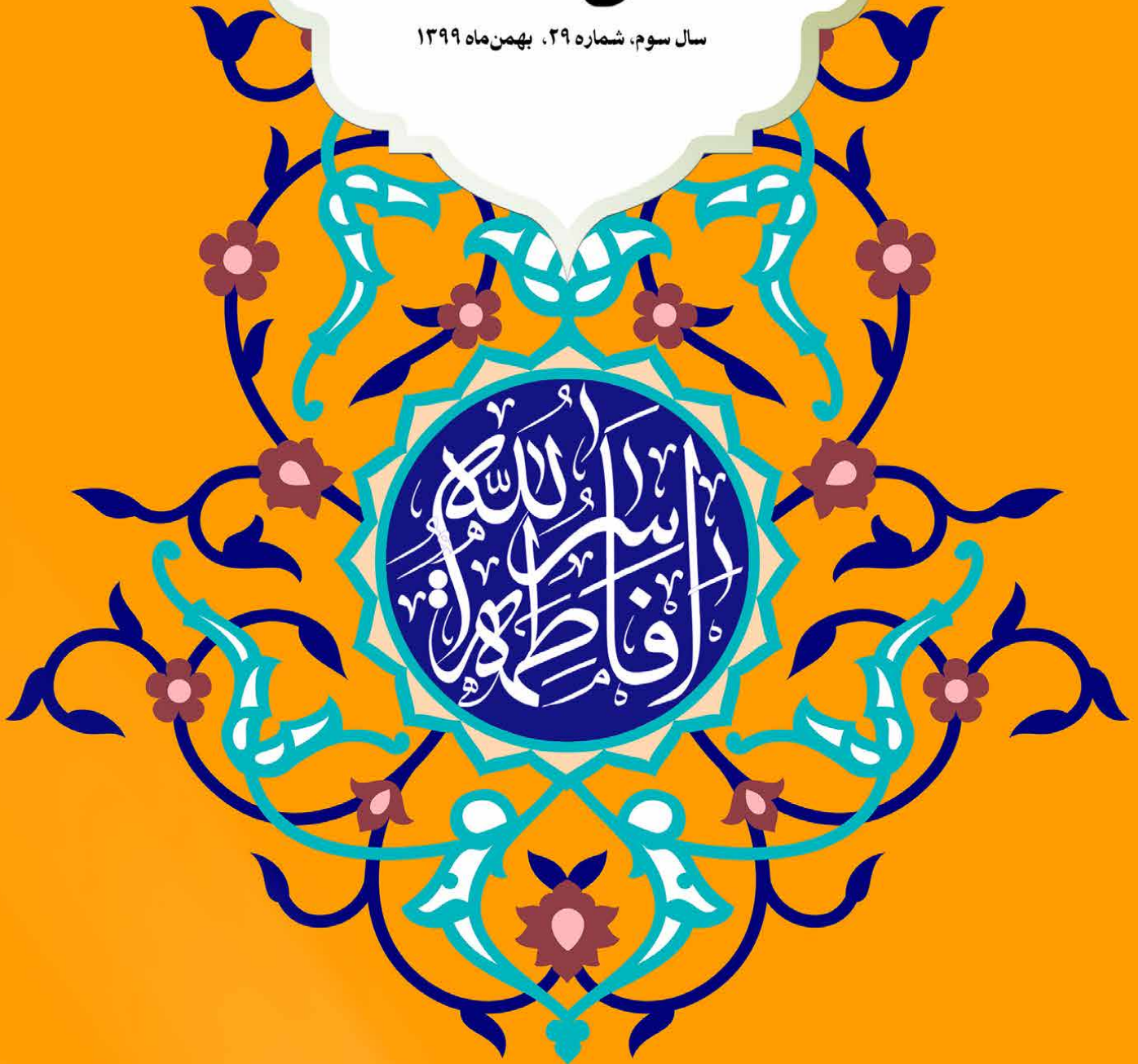


ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

# دانش مستدام

سال سوم، شماره ۲۹، بهمن ماه ۱۳۹۹



السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلِ الْبیتِ





مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سر دبیر: دکتر اکرم حیدری

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

#### سخن آغازین

۴.....دعای پناه بردن به حق از شیطان

#### سلامت در قرآن

۵.....نقش اهداف در خویشتن داری (۲) ..... محمود شکوهی تبار

#### سلامت در احادیث

۸.....اعتبارسنجی روایات توصیه به مصرف گوشت ..... محمود شکوهی تبار

#### فقه سلامت

۱۱.....قاعده اتلاف ..... احمد مشکوری

#### اخلاق سلامت

۱۲.....اسقاط و سقط جنین! ..... محسن رضایی آدریانی

۱۴.....قلب ندارد! ..... محسن رضایی آدریانی

#### فلسفه سلامت

۱۶.....رنالیسم و آنتی رنالیسم پزشکی (۲) ..... صادق یوسفی

#### معرفی کتاب

۱۸.....قتل از روی ترحم (اتانازی) در آینه فقه ..... قتله

#### زلال سلامت

۱۹.....لانه عرشی ..... قتله





## راهنمای نویسندگان

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی-اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.  
- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.  
- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.  
- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی

تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان). عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.  
- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.  
- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه [hrj@muq.ac.ir](mailto:hrj@muq.ac.ir)





## دعای پناه بردن به حق از شیطان

فرزندان و اهل ما و خویشان و نزدیکان و همسایگانمان از مردان و زنان مؤمن را از وجود خطرناکی همچون شیطان در جایگاهی محکم و دژی حفظ کننده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده؛ و آنان را برای دفع زیان او، زره‌های نگاه‌دارنده بیوشان و به ایشان سلاح‌های پرنده بر ضد او ببخشای.

خدایا، مشمول این دعا قرار ده هرکسی را که به پروردگاری‌ات گواهی می‌دهد و به وحدانیت اخلاص می‌ورزد و به حقیقت بندگی‌ات با شیطان دشمنی می‌کند و از تو برای شناخت علوم ربانی، بر ضد او یاری می‌جوید.

خدایا، آنچه را گره‌زده بگشای و هر راهی که باز کرده ببند و هر تدبیری که اندیشیده برهم زن و از هر کاری که قصد کرده بازش دار و هر چه را محکم کرده سست کن.

خدایا، لشکرش را شکست ده و نیرنگش را باطل ساز و پناهگاهش را ویران کن و بینی‌اش را به خاک بمال.

خدایا، ما را در سلک دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار کن تا چون ما را بفریبد از او پیروی نکنیم و هرگاه ما را بخواند، پاسخش ندهیم؛ و هر که را پیرو دستور ماست به دشمنی با او دستور دهیم و هر که را پیرو نهی ماست، برای بازداشتن از اطاعت او پند دهیم.

خدایا، بر محمد خاتم انبیا و سید رسولان و بر اهل پاک و پاکیزه او درود فرست و ما و اهل ما و برادران ما و همه مؤمنان و مؤمنات را از آنچه از آن پناه می‌جوییم، پناه ده و از آنچه از بیم آن، از تو ایمنی می‌خواهیم، امان بخش و دعای ما را برای آنچه دعا می‌کنیم بشنو و آنچه را از درخواستش غفلت می‌کنیم، به ما ببخش؛ و آنچه را فراموش کردیم، به ذهن و یادمان آر و ما را به سبب آن به درجات شایستگان و رتبه‌های اهل ایمان انتقال ده. دعایمان را مستجاب کن، ای پروردگار جهانیان.

خدایا، به تو پناه می‌بریم از فتنه‌انگیزی‌های شیطان رانده‌شده و از نیرنگ و مکرهایش و از اینکه به دروغ‌ها و وعده‌ها و فریب‌کاری و دام‌هایش اطمینان کنیم و از اینکه ما را در گمراه کردن از راه بندگی‌ات و خوار کردنمان بر اثر معصیتت به طمع اندازد یا نزد ما نیکو شود زشتی‌هایی که او در نظر ما نیکو جلوه می‌دهد یا گران و سخت شود خوبی‌هایی که او در نظر ما زشت نشان می‌دهد.

خدایا، به عبادت و بندگی ما، او را از پهنه زندگی‌مان طرد کن و بران؛ و به سبب جدیت و تلاشمان در راه محبت، او را ذلیل و خوار گردان و بین ما و او پرده‌ای قرار ده که آن را ندرد و حجابی ضخیم برقرار کن که آن را نشکافد. خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و شیطان را با سرگرم شدن به برخی دشمنانت از ما منحرف کن و ما را به توجه و نگهداری نیکویت از او حفظ فرما و از خیانت و نیرنگش بازدار و رویش را از ما برگردان و ردّ پایش را از ما قطع کن.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و ما را از هدایتی که در دوام و پابرجایی مانند گمراهی او باشد، بهره‌مند ساز و ما را در برابر گمراهی او، توشه تقوا کرامت کن؛ و برخلاف راه هلاکت‌بار او، ما را به مسیر تقوا رهنمون باش.

خدایا، برای او در دل‌های ما راه وارد شدن قرار مده و در شئون زندگی ما برای او جایگاه اقامت فراهم نکن.

خدایا، ما را به آنچه از باطل در نظرمان بیاراید، آگاه ساز و چون آگاهمان کردی، از آن نگاهمان دار؛ و ما را به زمینه‌های چاره‌جویی در برابر او بینا گردان و آنچه را که باید علیه او آماده کنیم، به ما الهام کن؛ و ما را از خواب غفلتی که سبب گرایش به اوست بیدار فرما؛ و یاری دادن ما را در جنگ با او، به توفیقت نیکو گردان.

خدایا، دل‌های ما را از رد کردن و انکار عملش سرشار ساز و به ما برای درهم شکستن حیل‌اش، مهربان باش.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و سلطه و تسلط شیطان را از ما دور بگردان و امیدش را از ما قطع کن و حرص ورزیدن او برای گمراهی ما را دفع فرما.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و پدران و مادران و

## نقش اهداف در خویشتن داری (۲)

محمود شکوهی تبار

دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
mahmood0110@gmail.com

خویشتن داری نقش مهمی در سلامت اجتماعی و معنوی ایفا می‌کند. تقوا، مفهوم نزدیک به خویشتن داری در قرآن کریم است. این مفهوم را می‌توان نوعی خاص از خویشتن داری دانست که طی آن انسان مؤمن با نیتی الهی برای رسیدن به اهداف متعالی، از اهداف کوتاه‌مدت نفسانی چشم می‌پوشد. این پژوهش به دنبال معرفی سازوکارهای ارتقای خویشتن داری از منظر قرآن کریم است و در این راستا به اهداف انسان و نقشی که می‌تواند در خویشتن داری ایفا کند، اشاره خواهد شد. اهداف و معیارهای انسان یکی از ارکان خویشتن داری به شمار می‌آید. قرآن کریم با بیان نتایج و دستاوردهای خویشتن داری مدنظر خود (تقوا) این دستاوردها را به‌عنوان اهداف انسان، پیش پای او می‌گذارد و در واقع این پیام را به انسان منتقل می‌کند که می‌تواند با در نظر گرفتن این اهداف، برای خویشتن داری اقدام کند. نکته دیگری که در آیات، پیگیری شده، تکرار و یادآوری مکرر این اهداف است تا انسان را بیش از پیش به ترجیح این اهداف و در نتیجه خویشتن داری رهنمون شود. از جمله راهکارهای دیگر مرتبط با بحث اهداف، توجه دادن به قطعیت رسیدن به اهداف است. بر این اساس در ادامه به این سه عنوان پرداخته می‌شود.

بیان نتایج و دستاوردهای خویشتن داری (اهداف)

در قرآن، نتایج و دستاوردهای متعددی برای خویشتن داری مدنظر این کتاب آسمانی مطرح شده است. علم به این دستاوردها می‌تواند آن‌ها را به اهداف انسان در ترجیح خویشتن داری تبدیل کند؛ به این معنا که انسان برای نیل به آن دستاوردها در مسیر خویشتن داری گام بردارد و آن‌ها را به‌عنوان اهداف خود در این مسیر تلقی کند. بیان این دستاوردها به مخاطبان کمک می‌کند متناسب با سطوح و حالات خود، از اهداف منفی یا حتی مثبت کوتاه‌مدت دست بکشند و برای رسیدن به اهداف متعالی اعم از دنیوی و اخیری بکوشند. در ادامه به برخی از این نتایج و دستاوردها اشاره می‌شود.

۱- نیل به فلاح و رستگاری: در آیات قرآن کریم، تقوا به عنوان یکی از اصول اساسی رسیدن به فلاح معرفی شده است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ... أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (بقره، ۱-۵). اوصافی که در این آیات آمده توصیف متقین است که نشان می‌دهد اساسی‌ترین پایه برای صفات بعدی و رسیدن به فلاح، تقواست. آیات سوره یونس به بیانی دیگر این مسئله را مورد توجه قرار داده و نقش ممتاز تقوا در سعادت دنیا و آخرت را بیان کرده است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ ... ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (یونس، ۶۳-۶۴).

۲- قدرت تشخیص حق و باطل: قرآن کریم یکی از نتایج تقوا را قدرت تشخیص حق و باطل معرفی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال، ۲۹).

۳- گشایش و آسانی در امور: از دیگر نتایج تقوا،





گشایش و آسانی در امور است: ﴿...مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ (طلاق، ۲)، ﴿...مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ (طلاق، ۴).

۴- نعمت و برکت فراوان: اثر ایمان و تقوای اجتماعی که یکی از پایه‌های آن ایمان و تقوای فرد فرد جامعه است، جاری شدن برکات از آسمان و زمین است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...﴾ (اعراف، ۹۶). علامه طباطبایی مراد از برکات را انواع نعمت و خیر فراوان دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۲۰۱/۸).

۵- دست یافتن به روزی از جایی که گمان نمی‌رود: خداوند وعده داده است که اگر فردی تقوا پیشه کند، از جایی که گمان نمی‌برد روزی او را عنایت خواهد کرد: ﴿...مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ... يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...﴾ (طلاق، ۲-۳).

۶- پوشاندن و آمرزش گناهان: یکی از آثار ایمان و تقوا، بخشیده شدن گناهان است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ... يَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (انفال، ۲۹).

۷- یاری و حمایت خداوند: خداوند وعده داده است در صورتی که مؤمنان صبر و تقوا پیشه کنند، آنان را یاری خواهد کرد: ﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ (آل عمران، ۱۲۰). شبیه این مضمون در آیه ۱۲۵ این سوره نیز بیان شده است: ﴿إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا... يُمِدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾.

۸- آرامش روانی و امنیت خاطر با رهایی از خوف و حزن: بر پایه آیات قرآن مجید، ایجاد آرامش روانی از جمله دیگر آثار تقواست: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (یونس، ۶۲-۶۳).

تنوع این اهداف باعث می‌شود: یکم، هرکس متناسب با سطح معرفت و ایمان خود و شرایطی که دارد، از آن استفاده کند؛ دوم، با توجه به اینکه با رعایت تقوا همه این اهداف قابل دستیابی است، فراوانی و تنوع آن باعث انگیزه بیشتر می‌شود. در واقع خویشتن‌داری قرآنی، با چنین دستاوردهای فراوان دنیوی و اخروی همراه است.

#### یادآوری (تکرار) اهداف

قرآن کریم برای توجه بیشتر به اهداف و در نتیجه التزام بیشتر و ترجیح خویشتن‌داری، به یادآوری و تکرار اهداف پرداخته است. در آیات و سوره‌های مختلف، در

بیشتر مواردی که انسان به خویشتن‌داری به صورت عام یا به مصداقی از مصادیق خویشتن‌داری دعوت شده است، به اهداف بلندمدتی که باید با در نظر گرفتن آن، از اهداف کوتاه‌مدت صرف‌نظر کرد، اشاره شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که انسان عقلانیتی محدود دارد و در بسیاری موارد، در سنجش و در نتیجه در تصمیمات و اقداماتش، نمی‌خواهد یا نمی‌تواند همه جوانب را چنان که هست، بسنجد. در چنین شرایطی، یادآوری مکرر اهداف بلندمدت می‌تواند به انسان کمک کند که انتخابش را بر اساس این اهداف انجام دهد. سراسر آیات قرآن کریم سرشار از نمونه‌هایی برای ادعاست؛ برای مثال در سوره صف، هنگامی که مؤمنان به جهاد دعوت می‌شوند - که مستلزم خویشتن‌داری و عبور از اهداف کوتاه‌مدت بسیاری است - خدای متعال این کار را به‌عنوان تجارتی مطرح می‌کند که دستاوردهایی دارد؛ همانند نجات از عذاب، بخشش گناهان، ورود به باغ‌های بهشتی، خانه‌های پاک و دلپسند اخروی که همان فوز با عظمت است، یاری از سوی خدا و دست یافتن به پیروزی در جنگ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجِيبُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (صف، ۱۰-۱۳). در سوره طلاق نیز برای دعوت به رعایت تقوا در احکام طلاق، اهداف دنیوی و اخروی متعددی مطرح شده است؛ از جمله راه گشایش و برون‌رفت از مشکلات (طلاق، ۲)، روزی بی‌حساب (طلاق، ۳)، آسانی در کارها (طلاق، ۴)، بخشش گناهان، اجر عظیم (طلاق، ۵)، خروج از تاریکی‌ها به سوی نور و رزق نیکو (طلاق، ۱۱). در بیشتر آیاتی که به صورت مطلق یا به مصداق خاصی از تقوا دعوت شده، دستاوردهای دنیوی و اخروی ملتزم بودن به آن هم مطرح شده است.

#### قطعیت رسیدن به اهداف

به هر میزان که احتمال دستیابی به اهداف در ذهن انسان قوی‌تر باشد و اطمینان بیشتری وجود داشته باشد که فرد به آن اهداف دست خواهد یافت، انگیزه بیشتری برای خویشتن‌داری وجود خواهد داشت. در اهداف دنیوی همواره درصدی از شکست و ناکامی محتمل است. موانع زیادی وجود دارد که ممکن است فرد با وجود خویشتن‌داری و گذشتن از اهداف





کوتاه‌مدت، از هدف بلندمدت نیز محروم بماند و درنهایت به آن دست نیابد، ولی اهدافی که خدای متعال در قرآن کریم مطرح فرموده به گونه‌ای است که در صورت رعایت خویشتن‌داری مدنظر قرآن، دسترسی به آن قطعی است؛ به این معنا که وقتی خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ﴾ (قمر، ۵۴) یعنی انسان مؤمن با رعایت تقوا و شرایط لازم، قطعاً به این هدف خواهد رسید؛ درحالی‌که چنین تضمینی قطعی را برای نیل به اهداف مدنظر برای خویشتن‌داری در امور دنیوی نمی‌توان تصور کرد. خدای متعال بارها به این نکته تأکید کرده است که به وعده‌اش عمل خواهد کرد؛ چنان‌که در سوره انعام می‌فرماید: ﴿إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَأْتٍ﴾ (انعام، ۱۳۴). در واقع این آیه اشاره دارد که با توجه به قدرت بی‌پایان خداوند، روشن است آنچه درزمینه رستاخیز و پاداش و کیفر وعده داده شده است، محقق خواهد شد و کمترین تخلفی در آن نیست (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۴۷/۵)؛ بر این اساس همه وعده و وعیدهایی که در ازای عمل به تقوا داده شده در صورت رعایت شرایطی که در دین آمده است، محقق خواهد شد. در سوره ذاریات و مرسلات نیز شبیه این مضمون وجود دارد: ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ﴾ (ذاریات، ۵)؛ ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ﴾ (مرسلات، ۷). افزون بر این، صفات خدای متعال مانند قدرت مطلق، فرمان‌روایی بر آسمان‌ها و زمین، مالکیت بر همه چیز و ... نیز شاهدی بر این مسئله است که خدای سبحان، قادر بر تحقق وعده‌های خویش است. در سوره نجم در این باره آمده است: ﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا

بِالْحُسْنَى﴾ (نجم، ۳۱). در این سوره مالکیت آسمان‌ها و زمین شاهدی بر قدرت خداوند بر عملی ساختن وعده‌های خود است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم با بیان دستاوردهای متعدد برای خویشتن‌داری مدنظر خود، این امکان را به مخاطبانش می‌دهد که آن‌ها را به‌عنوان اهداف خویشتن‌داری انتخاب کنند. اهداف متنوع دنیوی و اخروی که آیات وحی پیش روی مخاطبان خود می‌گذارد، باعث می‌شود هر فرد متناسب با سطح خود، برای نیل به آن‌ها خویشتن‌داری را ترجیح دهد. در این راستا قرآن کریم با توجه به عقلانیت محدود انسان، این اهداف را مکرر به انسان یادآوری می‌کند تا انسان خویشتن‌داری را ترجیح دهد. همچنین برخی آیات ارتقای خویشتن‌داری را با تذکر به این نکته که نیل به این اهداف قطعی است، پیگیری کرده‌اند.

منابع:

قرآن کریم.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.



## اعتبارسنجی روایات توصیه به مصرف گوشت

محمود شکوهی تبار  
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
mahmood0110@gmail.com

### گوشت سرآمد غذاهای دنیا و آخرت

روایت یکم: «عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ وَ كَانَ خَيْرًا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ سَيِّدِ الْإِدَامِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَقَالَ اللَّحْمُ أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ «لَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ» (واقعه، ۲۱)؛ عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد سرآمد غذاهای دنیا و آخرت پرسیدم. آن حضرت فرمودند: گوشت. آیا سخن خداوند را نشنیده‌ای که فرمود: و برای آنان از گوشت پرنندگان آنچه بخواهند آماده است (برقی، ۱۳۷۱: ۴۶۰/۲).

راویان این روایت عبارت‌اند از: محمد بن عیسی الیقطنینی که از نظر نجاشی امامی مذهب و تقه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴۸)، حلی قول او را مقبول دانسته است (حلی، ۱۴۱۱ ق: ۱۴۱) و کشی در اختیار معرفه الرجال ایشان را ممدوح معرفی می‌کند؛ ابی محمد الانصاری که امامی مذهب و ظاهراً تقه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۸)؛ عبدالله بن سنان که ایشان هم امامی و تقه است (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۹۱؛ کشی ۱۴۰۱ ق: ۷۱۰). بر این اساس، روایت فوق صحیح است. مرحوم کلینی روایتی با همین مضمون به سند صحیح در الکافی نقل

در منابع روایی با تعداد زیادی از احادیث مرتبط با سلامت جسمی مواجه هستیم که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در اسلام و عنایت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به این مسئله است. این حجم از روایات نشان می‌دهد که مردم در کنار فراگیری باورها و احکام دینی از معصومان، درزمینه سلامت جسمی نیز از رهنمودهای ایشان بهره می‌بردند. یکی از مسائلی که در روایات مورد توجه و تأکید قرار گرفته مصرف گوشت است. در این پژوهش تلاش شده است گامی در مسیر اعتبارسنجی این روایات برداشته شود. به این منظور، روایات از منابع معتبر همچون الکافی، من لایحضره الفقیه، المحاسن، عیون اخبار الرضا و وسائل الشیعه انتخاب شده است تا از اعتبار منبع برخوردار باشد. در ادامه با تشکیل خانواده حدیثی، ضمن کمک به فهم جامع موضوع روایات، در مواردی که روایات متعدد معتبر با مضمون مشابه یا یک روایت با چند سند معتبر نقل شده به این مسئله توجه داده شده است تا میزان اعتبار آن نشان داده شود. همچنین به مواردی که سند آن‌ها با ضعف مواجه بوده و قرائن پیرامونی به جبران این ضعف کمک کرده، اشاره شده است.

در روایات بر مفید بودن و ضرورت مصرف گوشت تأکید شده است. این روایات را در سه گروه می‌توان دسته‌بندی کرد. گروه نخست، روایاتی است که گوشت را سرور و سرآمد غذاهای دنیا و آخرت دانسته‌اند؛ دسته دوم روایاتی است که ترک آن را بیش از چهل روز نهی کرده‌اند؛ دسته سوم روایاتی که به سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مصرف گوشت اشاره کرده‌اند. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می‌شود.



کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶ / ۳۰۸، ح ۱).

روایت دوم: در روایتی موثق آمده است:

حدثنا أبو منصور أحمد بن إبراهيم بن بكر الخوري بنيسابور قال حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن هارون بن محمد الخوري قال حدثنا جعفر بن محمد بن زياد الفقيه الخوري بنيسابور قال حدثنا أحمد بن عبد الله الهروري الشيباني عن الرضا علي بن موسى عليه السلام قال حدثني أبي موسى بن جعفر عليه السلام قال حدثني أبي محمد بن علي عليه السلام قال حدثني الحسين بن علي بن الحسين عليه السلام قال حدثني أبي طالب عليه السلام قال قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "سَيِّدُ طَعَامِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّحْمُ ثُمَّ الْأَرْزُ"؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سرور غذاهای اهل دنیا و آخرت، گوشت و سپس برنج است (صدوق، ۱۳۷۸ ق: ۲ / ۳۵، ح ۷۹).

دو روایت دیگر با مضمون مشابه در المحاسن (۲ / ۴۵۹-۴۶۰) نقل شده است که یکی از روایات به دلیل وجود محمد بن علی در سند و دیگری به دلیل مرفوع بودن روایت، از نظر سندی ضعیف هستند (حلی، ۱۴۱۱ ق: ۲۵۴)؛ هرچند به دلیل شباهت مضمون این روایات با دو روایت صحیح و موثق پیشین و به استناد قرینه پیرامونی، ضعف سند این روایات جبران می‌شود و می‌توان آن را معتبر تلقی کرد.

روایت سوم: «محمد بن علی بن الحسين في عيون الأخبار عن أحمد بن إبراهيم بن بكر الخوزي عن محمد بن هارون بن محمد الخوزي عن جعفر بن محمد بن زياد الفقيه عن أحمد بن عبد الله الهروري عن الرضا عليه السلام قَالَ: "سَيِّدُ الطَّعَامِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّحْمُ ثُمَّ الْأَرْزُ"؛ امام رضا عليه السلام فرمودند: سرور غذاها در دنیا و آخرت گوشت و سپس برنج است (حر عاملی، ۱۴۱۱ ق، ۲۳ / ۲۵، ح ۳۱۰۳۹).

نهی از ترک خوردن گوشت بیش از چهل روز

روایت یکم: در روایتی صحیح السند می‌خوانیم: «عَلِيٌّ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَزْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ"؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: گوشت، گوشت می‌رویانند. هرکس چهل روز آن را ترک کند، بدخوی می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۰۹ / ۶، ح ۱).

روایت دوم: در روایت صحیح دیگری آمده است: «وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: "قُلْتُ

لَأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَاءَ خُلُقُهُ فَقَالَ كَذَبُوا وَ لَكِنْ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَزْبَعِينَ يَوْمًا تَغَيَّرَ خُلُقُهُ وَ بَدَنُهُ...»؛ از حسین بن خالد نقل شده است که به امام رضا عليه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند هرکس سه روز گوشت نخورد، بدخلق می‌شود، فرمودند: دروغ می‌گویند، ولی هرکس چهل روز گوشت نخورد، اخلاق و بدنش تغییر پیدا می‌کند... (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۵ / ۴۰، ح ۳۱۱۰۷).

روایت سوم: در وسائل الشیعه آمده است: «محمد بن علي بن الحسين في عيون الأخبار عن أحمد بن إبراهيم بن بكر الخوزي عن إبراهيم بن محمد بن زياد الفقيه عن أحمد بن عبد الله الهروري عن الرضا عليه السلام قَالَ وَ قَالَ: "عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَزْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ"؛ امام رضا عليه السلام فرمودند: بر شما باد خوردن گوشت، هرکس چهل روز خوردن گوشت را ترک کند، خُلُقش بد می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۵ / ۲۶، ح ۳۱۰۵۹). این روایت نیز موثق است.

روایات فراوانی شبیه این مضمون در منابع روایی وجود دارد که به منظور اختصار به ذکر روایات یاد شده اکتفا شد. برخی از این روایات با سند صحیح و موثق نقل شده‌اند (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸ ق: ۲ / ۴۱، ح ۱۲۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۵ / ۴۱، ح ۳۱۱۱۰؛ الکافی، ۳۱۱ / ۶، ح ۴) و برخی به لحاظ سندی ضعیف هستند (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳ ق: ۳ / ۳۵۱ و ۴۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۵ / ۲۲، ح ۳۱۱۰، ۳۱۱۱ و ۳۱۱۱۱). البته با در نظر گرفتن روایات متعدد مشابه به‌عنوان خانواده حدیثی که از نظر سندی صحیح و موثق هستند، ضعف سند این روایات نیز جبران می‌شود. در واقع وجود آن روایات، قرینه پیرامونی اعتبار به شمار می‌آید. این مضمون در المحاسن نیز تکرار شده است (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ ق: ۲۵۶ / ۲، ح ۱۸۰۰، ۱۸۰۵ و ۱۸۰۷).

سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در مصرف گوشت

در روایت صحیحی می‌خوانیم: «مُحَمَّدٌ بِنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: "كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحْمًا يُجِبُّ اللَّحْمَ"؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت بسیار می‌خورد و گوشت را دوست می‌داشت (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶ / ۳۰۹). در المحاسن نیز این روایت با سند صحیح نقل شده است (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ ق: ۲ / ۴۶۱). روایات دیگری نیز شبیه به این مضمون در منابع معتبر روایی بیان شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷



ق: ۳۰۸/۶، ح ۲، ۴؛ هرچند این روایات از نظر سندی ضعیف هستند، ولی به دلیل قرائن پیرامونی (وجود روایات مشابه با سند صحیح) و نقل آن‌ها در منابع معتبر، می‌توان به اعتبار این روایات حکم کرد. نکته قابل توجه این‌که در روایات دیگری به میزان مناسب مصرف گوشت اشاره شده است و برای فهم درست معنی این توصیه، لازم است با تشکیل خانواده حدیثی و در کنار هم قرار دادن روایات دیگر در این حوزه، معنی دقیق آن را استخراج کرد؛ برای نمونه روایاتی وجود دارد که از کثرت خوردن گوشت نهی کرده‌اند. برخی روایات نیز توصیه کرده‌اند که بهتر است مصرف گوشت سه روز یک‌بار باشد که در زمانی دیگر به صورت مستقل به آن خواهیم پرداخت.

در جمع‌بندی مباحث فوق می‌توان گفت که مجموع این سه دسته روایت که همه بر لزوم و ضرورت مصرف گوشت دلالت می‌کند و مشتمل بر روایات صحیح‌السند و موثق متعدد است، اطمینان نسبی ایجاد می‌گردد که از نظر روایات وجود گوشت در سبذ غذایی مفید و ضروری است.

در این نوشتار روایات مرتبط با توصیه به مصرف گوشت اعتبارسنجی شد که ابعاد آن به شرح زیر است: اعتبار از نظر منبعی: در این پژوهش روایات از منابع معتبر شیعه انتخاب شده که اعتبار آن مورد اتفاق علماست؛ بر این اساس روایات یادشده از اعتبار منبعی برخوردار هستند.

اعتبار سندی: روایات این پژوهش به لحاظ سندی بر اساس کار ارزشمند نرم‌افزار درایة‌النور مورد بررسی قرار گرفته است. در مواردی هم که روایت از منبعی انتخاب شده است که در این نرم‌افزار اعتبارسنجی نشده، با بررسی تک‌تک راویان اعتبار سندی آن احراز شده است.

اعتبار از نظر دلالتی: در مواردی که فهم روایات منوط به در کنار هم قرار گرفتن روایات دیگر و تشکیل خانواده حدیثی بود، توجه داده شده است.

اعتبار از نظر قرائن پیرامونی: از قرائن پیرامونی در دو جهت استفاده شده است:

- برخی روایات که از نظر سندی ضعیف بودند با ضمیمه کردن روایات معتبر، ضعف سندی آن‌ها جبران شده است.

- در مواردی که روایت صحیح یا موثقی با چند سند ذکر شده یا چند روایت معتبر از نظر سندی با مضمون مشابه نقل شده است، توضیح داده شده تا میزان اعتبار روایات نشان داده شود.

#### منابع:

- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، محقق: جلال‌الدین محدث، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامية.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ق)، رجال العلامة الحلی، مصحح: محمدصادق بحر العلوم.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)؛ وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسة آل‌البت للتحقیق، قم: مؤسسة آل‌البت للتحقیق.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا، محقق/مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، محقق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۲)، رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- کنشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ ق)، اختیار معرفه الرجال، قم: مؤسسه آل‌البت للتحقیق لاجیاء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط-الإسلامیة)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.



## قاعده اطلاق

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

a.mashkooori@gmail.com



بیمار نخواهد بود. نکته کاربردی و ظریف بحث این است که ضامن نبودن پزشک تنها در محدوده اذن و رضایت اعلام شده توسط بیمار است و شامل موارد خارج از آن نمی شود. پس حتماً در اخذ رضایت از بیمار باید احتمال خطای انسانی پیش بینی نشده یا... بیان شود و در خصوص آن نیز برائت گرفته شود.

۲. عدم وجود قصد احسان: در شماره های پیشین گفته شد که «قاعده احسان» مانع جریان ضمان می شود و شرح داده شد که قاعده احسان هنگامی جاری می شود که حق الزحمه و دستمزدی برای آن کار مقرر نشده باشد (محقق داماد، ۱۳۸۹)؛ بنابراین حرفه مندان پزشکی در شرایط فعلی که برای خدمات خود حق الزحمه دریافت می کنند، نمی توانند از قاعده احسان برای رهایی از ضمان استفاده کنند.

منابع:

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۹)، فقه پزشکی، تهران، حقوقی، ص ۱۳۹.

المصطفوی، سیدکاظم (۱۴۲۹ ه. ق.)، القواعد. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ص ۲۰.

اتلاف، یعنی از بین بردن مال فردی دیگر بدون اذن و رضایت او؛ چه عمدی باشد و چه سهوی. این عبارت میان فقهای متقدم و متأخر مشهور است که «من اتلف مال الغير فهو له ضامن»؛ هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن آن است (المصطفوی، ۱۴۲۹ ه. ق.). اتلاف یکی از موجبات ضمان قهری است و جبران خسارت مال تلف شده بر عهده فرد تلف کننده است؛ اما این ضامن بودن قیود و شرایطی دارد که به بررسی آن ها می پردازیم.

۱. عدم اذن مالک: در توضیح قاعده اتلاف گفته شد: «اگر مال دیگری را بدون اذن و رضایت صاحب مال تلف کرد...» پس اگر تلف کردن مال با اذن یا رضایت صاحب مال باشد فرد تلف کننده ضامن نخواهد بود. مورد استفاده از این قید در علوم پزشکی، اخذ رضایت آگاهانه از بیمار است؛ بدین شرح که اگر نحوه انجام اقدام درمانی یا جراحی و... به درستی برای بیمار توضیح داده شود و خطرات و عوارض احتمالی آن اقدام نیز برای بیمار بیان شود و بیمار با اطلاع از عوارض احتمالی درمان پیشنهادی، اذن و رضایت خود را اعلام کند، پزشک معالج ضامن آسیب احتمالی وارد شده به

ضامن نبودن پزشک تنها در محدوده اذن و رضایت اعلام شده توسط بیمار است و شامل موارد خارج از آن نمی شود. پس حتماً در اخذ رضایت از بیمار باید احتمال خطای انسانی پیش بینی نشده یا... بیان شود و در خصوص آن نیز برائت گرفته شود.



## اخلاق سلامت

# اسقاط و قتل جنین!

محسن رضایی آدریانی  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت،  
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
mrezaie@muq.ac.ir

و لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ  
كَانَ خَطَاً كَبِيراً؛ و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید! ما آن‌ها  
و شما را روزی می‌دهیم مسلماً کشتن آن‌ها گناه بزرگی است!  
(اسراء، ۳۱)

قرار بر این بود که به فراخور هر جلسه از دروس اخلاق پزشکی، یک آیه به‌عنوان پیش‌درآمد بحث کلاس ارائه شود. به لطف خداوند متعال، برای جلسه آغاز حیات و بیان استدلال‌های علیه اسقاط جنین، به این آیه پرداخته خواهد شد.

نخست باید گفت که به نظر می‌رسد تغییر «اسقاط جنین» به‌جای سقط جنین درست باشد؛ زیرا سقط می‌تواند خودبه‌خودی باشد، ولی موضوع بحث، اسقاط است که از روی عمد انجام می‌شود.

شوربختانه باید اذعان کرد که وضعیت اسقاط جنین در کشور عزیز ما، نه‌تنها خوب نیست، بلکه بسیار بد و نگران‌کننده است! آمارهای متفاوتی از این معضل داده شده است. آمارهای موجود نشان می‌دهد که مثلاً در سال ۱۳۹۶، دست‌کم ۳۷۰ هزار اسقاط جنین در کشورمان انجام شده (بی‌نام، ۱۳۹۹) که حدود ۹۵ درصد از این موارد جنایی بوده است. اعداد و ارقام بالاتری نیز موجود است و تا ۵۰۰ هزار اسقاط جنین در سال هم گفته شده است (بی‌نام، ۱۳۹۹).

وقتی به این موضوع پرداخته می‌شود، برخی می‌گویند این موضوع، معلول است و باید سراغ علت بروید. هیچ عاقلی، منکر وجود معضل اقتصادی در کشور نیست و بر عاملان آن هم نفرین باد: ﴿... أَلَا لَعْنَةُ

اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود، ۱۸). همچنین باید بر این نکته تأکید کرد که نگرانی از وضعیت معیشت می‌تواند یکی از عوامل اسقاط جنین باشد، اما به نظر می‌رسد تحویل مشکل تنها به معضل اقتصادی، درست نیست. جالب آن است که «زنان متمول و زنانی که در نواحی شمالی شهر تهران ساکن هستند، نسبت بیشتری از بارداری‌هایشان به سقط جنین ختم می‌شود» (عرفانی و شجاعی، ۱۳۹۷). مطالعه انجام‌شده، نشان می‌دهد «احتمال سقط در بین زنان کمتر مذهبی، ثروتمند، شاغل و بدون فرزند یا دارای دو فرزند بیشتر است» (کاظمی‌پور و عرفانی، ۱۳۸۸).

برخی مدعی هستند که مقابله با اسقاط جنین درست نیست؛ زیرا سلامت جامعه مهم است و از سویی مقابله با سقط جنین و در مقابل، چرخش افراد به سمت سقط جنایی، جان مادران را به خطر می‌اندازد و از سوی دیگر، با شیوع بیشتر ناهنجاری‌هایی که اکنون امکان سقط آنان فراهم است، ما را از «جامعه سالم» دور می‌کند. این امر مخالف اصول «ضررت‌سنایی» و «سودسنایی» است.

در پاسخ به این ادعا باید به چند نکته اشاره کرد. یکم اینکه، هم‌اینک با وجود قانون مشهور به «سقطِ درمانی»، این شمار فراوان سقط جنایی در کشور وجود دارد. پس امکان سقط قانونی، نتوانسته است مانع گسترش سقط جنایی شود. دوم اینکه، از یک منظر و بر اساس اصل «عدالت»، از آنجایی که جنین از خود «اختیار» ندارد باید متولیان جامعه در کنار مراقبت از منافع و مصالح زن باردار، مراقب منافع و مصالح جنین هم باشند. افزون بر این‌ها، مطالعات نشان می‌دهد سهم دلایل غیرپزشکی از کل موارد سالیانه اسقاط جنین در کشور، سهمی بسیار بالا (۸۲ درصد) و متأسفانه روبه گسترش است (عرفانی و شجاعی، ۱۳۹۷).

سقط جنین با این گستردگی، یک معضل مهم برای سلامت کشور به شمار می‌آید که باید همگان برای رفع آن بکوشند. با توجه به اهمیت حفظ جان در آموزه‌های اسلامی و برابری قتل و نجات یک نفر با قتل و نجات همه انسان‌ها (مائده، ۳۲)، به نظر می‌رسد این موضوع به مهم‌ترین اولویت و چالش اخلاق پزشکی و نظام سلامت کشور تبدیل شده است؛ البته متأسفانه هنوز این اهتمام در همه ما به وجود نیامده است.

باوجوداین، آنچه امیدواری به امکان اصلاح این معضل ایجاد می‌کند این است که مطالعات نشان می‌دهد اعتقادات مذهبی، مهم‌ترین مانع انجام سقط عمدی



است (چینی چیان و همکاران، ۱۳۸۶). هرچه اهمیت دین در زندگی فرد بیشتر شده، فراوانی سقط کاهش چشمگیری داشته است و از این رو، روشن است که میزان مهم بودن دین در زندگی افراد با اسقاط جنین، نسبت عکس دارد (عرفانی و شجاعی، ۱۳۹۷).

مطالعات بیان شده نشان می‌دهد مشکل عمده ایجادکننده این معضل، کمتر به دانش افراد برمی‌گردد؛ زیرا با افزایش سطح تحصیلات، شیوع سقط هم بیشتر شده است (عرفانی و شجاعی، ۱۳۹۷). از این رو، مشکل در «نگرش» افراد به موضوع باروری است. برای رفع این مشکل، تغییر و اصلاح «نگرش» لازم است. بنا بر این مطلب و نیز با توجه به آیه‌ای که در آغاز بحث به آن اشاره شد، تقویت ایمان و باور افراد جامعه و تأکید بر اعتقادات مذهبی، یک راهکار مهم برای رفع این چالش در کشور عزیز ماست. برای کسانی که در زندگی شان دین مهم است، وقتی بدانند که از نظر خداوند متعال اسقاط جنین حرام و خطای بزرگی است، راحت‌تر از این خطا و گناه اجتناب خواهند نمود.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر شریف المیزان، دیدگاه الکشاف (منظور کشتن دختران است) را زیر سؤال برده و گفته است: «پس حق مطلب همین است که بگوئیم از آیه مورد بحث کشف می‌شود که عرب غیر از مسئله دخترکشی (وآد) یک سنت دیگر نیز داشته که به خیال خود با آن عمل هون و خواری خود را حفظ می‌کردند و آن این بوده است که از ترس خواری و فقر و فاقه فرزند خود را - چه دختر و چه پسر - می‌کشتند و آیه مورد بحث و نظایر آن از این عمل نهی کرده است» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴). مفسر تفسیر اثنا عشری، در بیان منظور این آیه به‌طور روشن به موضوع اسقاط جنین اشاره می‌کند و می‌گوید: «بعضی اشخاص سست اعتقاد ضعیف الایمان به تصوراتی برای رفاه و آسایش خود و شهوت‌رانی، اقدام به عمل شنیع جاهلیت نموده، درصدد انهدام نطفه‌های اسلامی برمی‌آیند و با تزریقات یا استعمال دوا یا آلاتی که مانع از ایلااد گردد و حال آنکه

چقدر بر کثرت نسل اسلامی تأکید شده است» (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳).

نهایت اینکه بر اساس اصل عقلی «الاهمُّ فالهمم»، به نظر می‌رسد این معضل باید برای همه ما، به یک اولویت اصلی بدل شود و همه برای رفع این چالش از جامعه و کشور عزیزمان؛ تمام تلاش خود را به کار ببندیم.

منابع:

قرآن کریم.

«آمار سقط جنین " معادل حدود یک سوم تولدهای کل کشور است! » (۱۳۹۹). خبرگزاری تسنیم. مصاحبه با دکتر صالح قاسمی، نویسنده مجموعه «جنگ جهانی جمعیت» قابل دستیابی در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/05/03/2311296/>

چینی چیان، مریم؛ هلاکویی نائینی، کورش و رفائی شیرپاک، خسرو (۱۳۸۶). «مطالعه کیفی دلایل انجام سقط جنین عمدی در ایران» پایش، ۶ (۳).

حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین ابن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات. ج ۷، ص ۳۶۵.

«روزانه ۱۰۰۰ جنین زنده " در کشور از طریق سقط توسط والدین کشته می‌شوند! / سقط جنین ۲۰ برابر تلفات سوانح رانندگی کشور» (۱۳۹۹). خبرگزاری تسنیم. قابل دستیابی در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/31/2310409/>

عرفانی، امیر و شجاعی، جواد (۱۳۹۷)، «شواهد تازه از سقط جنین عمدی در شهر تهران: میزان‌ها، دلایل و تغییرات»، مجله زنان، مامایی و نازایی ایران، ۲۱ (۳)، ص ۶۴-۷۷.

عرفانی، امیر و کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸)، «میزان و عوامل مرتبط با سقط عمدی جنین در شهر تهران» نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۴ (۸)، ص ۶۳-۸۴.

موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ج ۱۳، ص ۱۱۵.

سقط جنین با این گستردگی، یک معضل مهم برای سلامت کشور به شمار می‌آید که باید همگان برای رفع آن بکوشند.



## تحلیل اخلاق - حقوق موارد

### قلب ندارد!

محسن رضایی آدریانی  
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،  
دانشگاه علوم پزشکی قم  
mrezaie@muq.ac.ir

## معرفی مورد

در سونوگرافی اوایل حاملگی ام دکتر گفت که جنین تشکیل نشده است و صدای قلب ندارد. احتمال بارداری پوچ دادند و گفتند اگر بارداری ات پوچ باشد باید سقط کنید. سونوگرافی مهلبی [vaginal] را تجویز کردند و من هم پذیرفتم، اما با بررسی که انجام دادم، متوجه شدم سونو داخلی (مهلبی)، اگر داخل بدن به چیزی برخورد کند احتمال سقط یا کنده شدن ساک حاملگی و یا جفت وجود دارد. پس از پرس و جو متوجه شدم حاملگی پوچ زیر سه ماه خودبه خود سقط می شود. به خداوند سپردم و منتظر ماندم. تا پایان سه ماهگی دیگر دکتر نرفتم. هنگامی که پانزده هفته باردار بودم سونو رفتم و یک جنین کاملاً زنده و سالم با ضربان قلب طبیعی مشاهده کردم و به دلیل استرس بالایی که به من وارد می شد، هیچ کدام از آزمایش های غربالگری را نیز انجام ندادم. پس از نه ماه انتظار شیرین، زایمان کردم و خداوند دختری سالم و بی عیب و نقص به من هدیه داد. یک هفته دیگر یک ساله می شود.

## تحلیل مورد

یکی از مؤلفه های اساسی برای طبابت، اعتماد بیمار به پزشک است. بر پایه اینکه گیرنده خدمت سلامت (بیمار، مددجو، مراجعه کننده به مرکز سلامت، ...) به ارائه کننده خدمت سلامت (پرستار، کارشناس فوریت، پزشک، ماما، بهورز، ...) اعتماد دارد به او مراجعه می کند، شرح حال بیان می کند، اجازه معاینه می دهد، تشخیص او را می پذیرد و پیشنهاد گزینه های درمانی را می پذیرد (Beauchamp and Childress 2013). اگر اعتماد نباشد، این روند به طور کلی فرو خواهد ریخت!

به واسطه نوع رفتار دو نفر یا دو مجموعه، اعتماد هر یک از طرفین به یکدیگر می تواند افزایش یابد یا خدای ناکرده کاسته شود. ادعای تنها، اعتماد نمی آورد. شیوه رفتار و نوع تعامل است که «اعتمادساز» یا «اعتمادسوز» است!

هنگام بررسی سونوگرافی در سنین پایین جنینی، همکاران پزشک تنها حق دارند دیدن و دریافت ضربان قلب جنین را گزارش کنند. ندیدن قلب جنین در CRL کمتر از ۷ میلی متر، ارزش تشخیصی ندارد و نباید ملاک عمل قرار گیرد. در این گونه موارد باید فرصت داد و پیگیری و سونوگرافی مجدد می تواند راهگشا باشد (Johns, and Burton, 2005) (Rowling et al. 1997).

به حکم عقل و نقل (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا - احزاب، ۷۰)، باید تلاش کنیم که سخنان ما در حوزه سلامت، محکم و استوار باشد تا گیرندگان خدمات سلامت بتوانند به سخن و مشاوره ما تکیه و اعتماد کنند.

وقتی به اندک چیزی، همکاران محترم ما به قلب نداشتن جنین و سقط او حکم می کنند، اما بررسی





منابع:

قرآن کریم

Beauchamp, Tom L., and James F. Childress. 2013. Principles of biomedical ethics. 7th ed. New York: Oxford University Press.

Jauniaux, E., Johns, J. and Burton, G.J. (2005), The role of ultrasound imaging in diagnosing and investigating early pregnancy failure. *Ultrasound Obstet Gynecol*, 25: 613-624. <https://doi.org/10.1002/uog.1892>

Rowling, S. E., B. G. Coleman, J. E. Langer, P. H. Arger, H. L. Nisenbaum, and S. C. Horii. 1997. "First-trimester US parameters of failed pregnancy." *Radiology* no. 203 (1):211-217. doi: 10.1148/radiology.203.1.9122395

دقیق‌تر و در مواردی کمی صبر و تحمل و پیگیری مجدد، باطل بودن ادعای همکار ما را آشکار می‌کند، آن چیزی که از میان می‌رود، اعتماد جامعه به طبابت است. نتیجه این امر، متمایل شدن افراد به نسخه بدلی و کسانی است که بدون داشتن مهارت علمی و عملی، به «مداخله در درمان» مبادرت می‌کنند. از ماست که بر ماست!

بی‌توجهی به اصول و قواعد اخلاق حرفه‌ای (سودرسانی، ضرررسانی، احترام به اختیار بیمار) از سوی ما و به دلیل توجه نکردن به اهمیت دقت و درستکاری، اعتماد جامعه به طبابت را مخدوش می‌کنیم. نتیجه آن است که ناخواسته راه را برای «مداخله در درمان» باز نموده‌ایم. در این میان هم سروکله عده‌ای شیطاد و سودجو بدون مهارت علمی و عملی ضروری پیدا می‌شود تا خود را درمانگر سنتی بنامند. ما با ندانم‌کاری و بی‌دقتی خودمان، راه برای شارلاتان‌بازی آنان باز کرده‌ایم.

دقت و درستکاری خود را افزایش دهیم.



## رنالیسم و آنتی رنالیسم پزشکی (۲)

صادق یوسفی  
مرکز تحقیقات سلامت معنوی،  
دانشگاه علوم پزشکی قم  
syoosefee@muq.ac.ir  
yoosefee@gmail.com

به بیماری، بازتاب واقعیت درد و رنج یک بیمار و به همان اندازه تحقیقات درزمینه علوم پایه باشد که در قرن بیستم، طب رایج غرب را از نظر تجربی در درمان بیماری موفق نموده است». برای این منظور، هم حقایق و هم ارزش‌ها برای درک روند بیماری و تجربه بیمار از بیماری، بسیار مهم هستند. بر اساس استدلال استمپسی، «رنالیسم ارزش محور، پل بین حقیقت و ارزش است که باعث می‌شود نقش ارزش‌ها در تعیین حقایق ضروری باشند؛ به بیان دیگر در یک چهارچوب مناسب برای توصیف مفهوم بیماری، طبقه‌بندی و تشخیص بیماری، ارزش‌ها را به اندازه حقایق ضروری می‌داند.

رویکرد بالین‌گران معتقد به انسان‌گرایی، ممکن است آن‌ها را در زمره آنتی رنالیست‌ها قرار دهد؛ مثلاً عده‌ای از آنان معتقدند که به‌طورکلی بیماری‌ها آن‌گونه که تصور می‌شوند، چیزهای واقعی نیستند و بیماری را همان اندازه که ایده‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها واقعی هستند، واقعی می‌پندارند؛ به عبارت دیگر بیماری‌ها موجودات مستقلی مانند باکتری نیستند، بلکه انتزاعات یا مفاهیمی

در شماره پیشین به‌طور مختصر به رنالیسم و آنتی رنالیسم پزشکی با تأکید بر نظرات پل تاگارد اشاره شد. در این شماره با اتکا به نظرات ویلیام استمپسی این بحث ادامه می‌یابد.

استمپسی گونه‌ای از رنالیسم (رنالیسم ارزش محور) را برای عمل پزشکی، به‌ویژه درزمینه تشخیص، مطرح می‌کند که در بینابین رنالیسم علمی و ساخت‌گرایی اجتماعی قرار می‌گیرد. او می‌گوید: «رنالیسم ارزش محور که من مدافع آن هستم واقعیتی را به رسمیت می‌شناسد که به‌طور مستقل از نظریه‌پردازی ما وجود دارد، البته این واقعیت به شرطی قابل توصیف است که الزاماً متکی به برخی ساختارهای مفهومی خاص باشد. همچنین در مورد هر واقعیت ممکن است بیش از یک توصیف صحیح تجربی ارائه شود». استمپسی متعهد به موضع واقع‌گرایانه است؛ چراکه افراد در معرض بیماری‌ها واقع می‌شوند و در اثر آن‌ها جان خود را از دست می‌دهند. تجربه بیماری یک واقعیت بنیادین است. وی تصریح می‌کند: «ما می‌خواهیم نگاهمان



بیشتر بالین‌گران با رویکرد زیست‌پزشکی، مفهومی از رئالیسم به‌ویژه، رئالیسم علمی را در نظر می‌گیرند که در آن موجودیت جهان‌بینی پزشکی واقعی بوده و به‌عبارت‌دیگر، بین آنچه ما در مورد جهان فکر می‌کنیم و نحوه واقع شدن آن، یک تناظر مستقیم یا بی‌واسطه وجود دارد.

هستند که به‌طور مستقیم توسط پزشک مشاهده نمی‌شوند؛ بنابراین بیماری‌ها تنها در یک نگاه کل‌نگر به بروز بیماری، پاتوفیزیولوژی آن را به‌طور کامل بازنمایی می‌کنند و در این صورت است که امکان لمس آن‌ها به‌طور واقعی وجود دارد. می‌توان گفت، این گروه معتقد به آنتی‌رئالیسم مفهومی است و هدف آنان بازگرداندن عینی‌سازی پیش‌ازحد بیماری است که در مدل زیست‌پزشکی رخ داده و باعث شده است بیماری اغلب واقعی‌تر از خود بیمار در نظر گرفته شود.

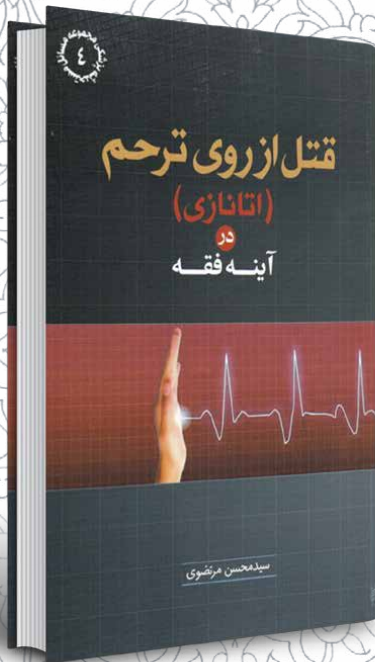
در مجموع می‌توان گفت که بیشتر بالین‌گران با رویکرد زیست‌پزشکی، مفهومی از رئالیسم به‌ویژه، رئالیسم علمی را در نظر می‌گیرند که در آن موجودیت جهان‌بینی پزشکی واقعی بوده و به‌عبارت‌دیگر، بین آنچه ما در مورد جهان فکر می‌کنیم و نحوه واقع شدن آن، یک تناظر مستقیم یا بی‌واسطه وجود دارد؛ بنابراین باکتری‌ها موجوداتی واقعی هستند و مسئول یا

علت بیماری‌هایی هستند که آن‌ها هم واقعی‌اند. از سویی، موضع بسیاری از بالین‌گران با رویکرد انسان‌گرایانه، ضد رئالیستی یا دست‌کم شکل ضعیفی از رئالیسم است که در آن موجودات غیر قابل مشاهده مانند باکتری‌ها و مفاهیمی مانند بیماری‌ها واقعی نبوده، بلکه انتزاعی هستند. در این رویکرد، علت بیماری تک عاملی نبوده، بلکه عوامل متعددی در آن دخالت دارند. با این توضیح، می‌توان نتیجه گرفت آن‌ها به بحران کیفیت مراقبت‌های ناشی از رویکرد رئالیسم زیست‌پزشکی می‌پردازند که تمرکز آن بیشتر بر روی بیماری است تا تجربه بیمار از بیماری.

منابع:

Marcum, J. A. (۲۰۰۸). Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. ۹۹). Netherlands: Springer

## قتل از روی ترحم (اتانازی) در آینه فقه



سید محسن مرتضوی، پژوهشگر و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، کتاب «قتل از روی ترحم (اتانازی) در آینه فقه» را گردآوری کرده است. این کتاب در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی & در ۱۵۶ صفحه به چاپ رسیده است. پاسخ به مسائل نوپافته و موضوعات جدیدی که جامعه اسلامی به آن نیاز پیدا کرده از وظایف خطیر فقه پویا و غنی شیعه است. یکی از این موضوعات مطرح شده در حوزه علم پزشکی و به ویژه، شاخه اخلاق پزشکی، قتل از روی ترحم یا اتانازی است. اتانازی سرعت بخشیدن به مرگ فرد بیماری است که به بیماری درمان ناپذیری گرفتار شده است؛ درد و رنج شدیدی را تحمل می کند و به زودی خواهد مرد. از همه مهم تر اینکه، خود بیمار یا اطرافیانش خواهان پایان بخشیدن به این رنج هستند. اتانازی موضوعی جدید است که تنها درباره جنبه های حقوقی و قانونی و همچنین اخلاقی و پزشکی آن، بحث هایی در برخی مقالات حقوقی و پزشکی مطرح شده است، ولی تا به حال بررسی اجتهادی و فقهی درباره آن صورت نگرفته و نظرهای گوناگون در این باره، از حد فتوا بالاتر نرفته است. به همین دلیل، در این نوشتار کوشش شده است درباره اتانازی، به لحاظ حکم تکلیفی و احکام وضعی، یک بررسی جامع انجام شود. مهم ترین پرسش هایی که این اثر در پی یافتن پاسخی برای

آن هاست، عبارت اند از: آیا رنج و درد مجوز خودکشی برای شخص بیمار است؟ آیا معالجه بیماری که هیچ امیدی به بهبود او نیست و درمان بر او هیچ تأثیری ندارد، بر پزشک واجب است یا خیر و ...

کتاب حاضر در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست مفاهیم و کلیات مربوط به موضوع شناسی اتانازی بررسی و مفهوم آن تبیین شده است. موضوعات مطرح شده در این بخش شامل مفهوم لغوی و اصطلاحی اتانازی، انواع و اقسام آن، تاریخچه و پیشینه آن، دیدگاه موافقان و مخالفان و نیز دیدگاه ادیان مختلف درباره اتانازی است. در بخش دوم نیز که بخش اصلی این نوشتار است، درباره اتانازی از دیدگاه فقه اسلامی بحث شده است. در پایان، نظرها و فتوای فقها و مراجع معظم تقلید شیعه و همچنین فقها و محققان اهل سنت گردآوری شده است.

زهره علایی طباطبایی زواره  
دانشکده سلامت و دین





لب فرو بسته‌ای از چون و چرا آسوده  
در ره دوست فنایی که بود عین یقین  
برق غیرت قلق و ذوق و عطش آرد و وجد  
آدم آن یوم الهی و شب قدر نبی است  
شرف نفس گر آلوده نگردد به هوا  
وادی عشق که یکسر هیمانست وحیا  
آرزویی است که گویا نشود روزی ما  
گفتم ای دل مثل منصب دنیاوی چیست  
رشته مهر و وفا تا نشود بگسسته  
بی نیازی تو آورد حسن را به نیاز

دیده بر دوخته‌ای جز ز خدا آسوده  
سر و جانست چو در دست فنا آسوده  
عزلت و غربت و تسلیم و رضا آسوده  
که غمایست و عمایست و هبا آسوده  
همه نور است و سرور است و بها آسوده  
آنکه او را هیمان است و حیا آسوده  
با تئ چند ز اخوان صفا آسوده  
گفت خاموش که درویش گدا آسوده  
باش بر عهد الستی به بلی آسوده  
به نماز است و به قرآن و دعا آسوده

علامه حسن‌زاده آملی رحمته‌الله

